

جمع‌بندی از یک اعتصاب غذا

اصغر فتاحی - شهرام بجفی - عباس فرد

اعتصاب غذای اصغر فتاحی، شهرام بجفی و عباس فرد در مقابل پارلمان هلند پس از ۱۵ روز - در روز جمعه (پنج‌شنبه یونی، ساعت ۷ شب) با موفقیتی بیش از انتظار به‌پایان رسید.

این آکسیون که انگیزه‌ی آغازین آن بیش‌تر یک فریاد طبقاتی برخاسته از سرکوب کارگران در اول ماه مه و همچنین واکنشی نسبت به بی‌تفاوتی حاکم در روابط پیرامونی اعتصاب‌کنندگان در مقابل سرکوب کارگران بود، در پروسه‌ی 15 روزه‌ی خود به‌کمک چند تن از فعالین سیاسی و کارگری در هلند و حمایت اغلب نهادهای کارگری و سیاسی در دیگر کشورها - به‌شبهه‌ای از روابط فراروید که ادامه‌ی آن (خصوصاً در هلند) الزامی، کارساز و ناگزیر است. این اعتصاب غذا که در آغاز بیش‌تر جنبه‌ی شخصی طبقاتی داشت و به‌جز یک گروه 5 نفره‌ی آماتور (متشکل از بستگان یکی از اعتصاب‌گذاران)، پشتیبانی چندان قوی‌ای نداشت؛ در ادامه به‌یک آکسیون گروهی و برخوردار از کانال‌های ارتباطی متعدد و تدارک‌دهنده‌گان کارآزموده تبدیل گردید که در چند سطح گسترش داشت و به‌نتایج ادامه‌داری دست یافت.

گرچه اعتصاب را دو نفر شروع کردند و نفر سوم هم اعلام کرد که برای هم‌بستگی و فقط به‌مدت ۶ روز اعتصاب غذا خواهد کرد و خواست که از او نامی برده نشود، اما نفر چهارمی هم به‌آن‌ها پیوست و اعتصاب غذا - عملاً - به‌یک گروه ۴ نفره تبدیل شد. گذشته از این، اصغر فتاحی و عباس فرد فقط ۴ روز را در مقابل پارلمان تنها بودند و مابقی روزها را در میان جمع‌های متغیری (بین ۶ تا ۲۱ نفر، بدون احتساب خودشان) سرکردند که اعتصاب غذا را - عملاً - به‌یک تحسن نسبتاً وسیع تبدیل می‌نمود. برای مثال: داریوش راد بدون این‌که رسماً اعتصاب غذا کرده باشد، حدود ۱۰ روز را بدون غذا - در کنار اعتصابیون گذراند و در همین پروسه‌ی زمانی با امنستی اینترنشنال مشغول سازمان‌دهی کمپین آزادی اسانلو بود و در این زمینه افراد بیش‌تری را دعوت یا جذب می‌کرد. بروز این شرایط نشان از این دارد که (حداقل در هلند) امکانات بسیاری برای کار وسیع‌تر و مؤثر وجود دارد که در پرتو تقسیم‌کار تخصصی، منطقه‌ای و خردمندانه و با عبور از بعضی باس‌های نظری، ساختارهای بوروکراتیک و خودمحروربینی‌های سیاسی به‌نتایج چشم‌گیری هم خواهد رسید.

به‌هرروی، ضروری است که «خرد» را در معنای عمیق آن (یعنی: آگاهی به‌موضوع، استدلال، تحقیق، نتیجه‌گیری براساس اتفاق یا اکثریت آراء، عمل و سرانجام استدلال و... عمل مجدد) فهمید؛ وگرنه در پشت و اژده‌های ظاهراً زیبا پنهان شدن نتیجه‌ای جز پاسیفیزم فعال (که تنها در شکل اکتیو است و «من» اتمیزه را نمایندگی می‌کند) نخواهد داشت.

از طرف دیگر، تجربه‌ی گروهی و جمعی این اعتصاب غذا نشان داد که چه ظرفیت حمایت‌گرانه‌ی وسیعی در ابعاد گوناگون جامعه‌ی هلند وجود دارد که می‌توان در پرتو خردورزی پراتیک، طبقاتی و کارگری به‌ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها دست یافت و در همین جامعه هم به‌طور مثبت اثرگذار بود. از همه‌ی این‌ها مهم‌تر، طی همین پروسه‌ی کوتاه مدت معلوم شد که هرگاه منافع محدود گروهی جایگزین نیازها و خواست‌های طبقاتی گردد، هم‌گرایی به‌مثابه‌ی نتیجه‌ی پراتیک روشن و طبقاتی - از هر سو تابیدن می‌گیرد و «من» فریادگر را در گرمای جان‌بخش «ما» پی که موجودیت هر فردی را به‌رسمیت می‌شناسد، به «من» خردورز تبدیل می‌کند؛ و گام‌های افراد به‌رسمیت شناخته شده، در هم‌سویی باهم، به‌سنتز پاسداران شب سرد سرمایه‌میرود. این نخستین مرحله‌ی سازمان‌یابی کارگری و سوسیالیستی است.

گرچه در ۵ گزارشی که قبلاً از اعتصاب غذا ارائه گردید، به‌دست‌آوردهای آن اشاراتی شده است؛ اما در این‌جا سعی خواهد شد که آن اشارات، به‌طور سیستماتیک و پیوسته ارائه گردد تا ضمن ایجاد امکان پیگیری روابط نوبنیاد، به‌نقش مثبت افراد و گروه‌های گوناگون نیز بیش‌تر بپردازیم تا با بیان ارزش‌ها و حقایق، سپاس‌گزارش تلاش‌گرانی باشیم که اعتصاب‌گذاران را در این امر طبقاتی

همراهی کردند و به نتیجه‌ای فراتر از مطلوب رساندند. حقیقت این است که اگر این تلاش‌گران نبودند و اعتصاب غذاکنندگان در محدوده‌ی امکانات خودمی‌ماندند، همانند شعله‌ی شمعی جان‌فدا تنها شعاع بسیار کوچکی را گرما می‌بخشیدند و آب می‌شدند و می‌مردند.

۱- نهادهای دولتی و رسمی در هلند:

- پارلمان هلند، با سؤالاتی که حزب سوسیالیست پارلمانی به طرفداری از آکسیون اعتصاب غذا و مسائل مربوط به جنبش کارگری در ایران در مقابل وزیر امور خارجه قرار داد و همچنین نامه‌هایی که از طرف اعتصاب کنندگان مستقیماً به پارلمان ارسال گردید، پذیرفت که مسئله‌ی سرکوب کارگران در ایران را مورد بحث و گفتگو قرار دهد. زمینه‌ی این بحث و گفتگو به کنوانسیون‌هایی برمی‌گردد که مورد قبول هردو کشور است؛ و نتیجه‌ی آن به جز مسئله‌ی اساسی مناسبات اقتصادی و سیاسی دو دولت ایران و هلند، به چگونگی ادامه‌ی آکسیون نیز بستگی دارد.

- گرچه هنوز اتحادیه‌های کارگری هلند هیچ عکس‌العملی نشان نداده‌اند، اما از آن‌جاکه از جوانب مختلف زیر فشار قرار گرفته‌اند، در آینده‌ای نه چندان دور مجبور به واکنش خواهند بود. به جز تلفن‌های مکرر و حدود 30 نامه‌ای که به هم می‌آید و احدهای FNV ارسال شده است، چندین نفر از عناصر مترقی و کارگری نیز به این اتحادیه فشار وارد آورده‌اند که در رابطه با سرکوب کارگران در ایران واکنش داشته باشد. دو نفر از این افراد در بدنه‌ی FNV (این بزرگترین، کارگری‌ترین و غیرمذهبی‌ترین اتحادیه کارگری در هلند) نفوذ قابل توجه دارند و با مواضع اعتصاب غذاکنندگان نیز همسو هستند.

۲- تشکل‌های غیردولتی و رسمی در هلند:

- تشکل‌های مربوط به کارگران مهاجر (ترک و عمدتاً مراکشی) نیز از خواست‌های اعتصاب غذاکنندگان حمایت کردند و قول داده‌اند که حمایت خود را تا آن‌جا گسترش دهند که اتحادیه‌های ترکیه [برای مثال: «دیسک»] و مراکش فعالانه از تشکل مستقل کارگری در ایران حمایت کنند. این رابطه که با کمک تعیین‌کننده‌ی احمد پوری برقرار شده است، قابلیت گسترش فراوانی دارد که به چگونگی ادامه‌ی آکسیون و سازمان‌دهی حمایت از جنبش کارگری ایران در هلند بستگی دارد. در این زمینه از «فدراسیون کارگران ترک در هلند»، «کنفدراسیون کارگران ترک در اروپا» و «مرکز توسعه و همکاری مهاجرین اروپا و حوزه‌ی مدیترانه» که عمدتاً دربرگیرنده‌ی کارگران مهاجر مراکشی، تونسی و الجزایری در اروپاست. می‌توان نام برد.

۳- تشکل‌های اپوزیسیون غیررسمی و غیردولتی در هلند:

- پلانفرم 14 تشکل چپ و رادیکال ترک در اروپا نیز از خواست‌های اعتصاب غذاکنندگان حمایت کرد. این پلانفرم ضمن این‌که از طرف نشریه «دونوشوم» مصاحبه‌ی مفصلی با دو نفر از اعتصابیون داشت، نامه‌ی سرگشاده‌ی آن‌ها را نیز از هلندی به ترکی ترجمه کرد و برای سایت‌های چپ ترکیه و تمام اتحادیه‌های داخل ترکیه فرستاد. این رابطه نیز با کمک احمد پوری برقرار شد و قابلیت گسترش فراوانی دارد که به نحوه‌ی سازمان‌دهی حمایت از جنبش کارگری ایران مشروط است.

- حزب کمونیست هلند (NCPN) از مطالبات مطرح در آکسیون اعتصاب غذا حمایت کرد و قرار است که پنجشنبه آتی نیز روزنامه مانیفست مصاحبه‌ای با آن‌ها داشته باشد. این حزب که در دهه‌ی ۸۰ نیروی قابل توجهی در اختیار داشت و در عرصه‌ی سیاست وزنه‌ی مهمی محسوب می‌شد، اینک به یک جریان کوچک (اما به‌طور کمی در حال رشد) تبدیل شده است. این رابطه نیز با کمک احمد پوری برقرار گردید.

- گروه آفنیو در هلند که در ایرلند، انگلیس و کشورهای اسکاندیناوی حضور گسترده‌تر و مؤثرتری دارد. ضمن انتشار نامه‌ی سرگشاده‌ی اعتصاب غذاکنندگان، مصاحبه‌ای هم با آن‌ها داشت که در سایت خویش منتشر کرد. قرار است که این مصاحبه به زبان انگلیسی ترجمه شود تا در دیگر کشورها نیز قابل دریافت باشد. چنین به نظر می‌رسد که این گروه ضمن محدودیت کمی، از تحرک و شور اکسیون‌نستی نسبتاً بالایی برخوردار است. به هر روی، طی مصاحبه‌ی طولانی با یکی از فعالین آن‌ها، مصاحبه‌کننده (امیل) قول داد که در تظاهرات ۱۲ یونی (در مقابل سفارت رژیم) شرکت خواهند کرد. به نظر ما رابطه‌ی مستمر با این گروه می‌تواند بخشی از این ادعاها را به واقعیت تبدیل کند [۱].

- بهجز دو گروه بالا، گروه‌ها و جریانات رادیکال دیگری هم از مطالبات اعتصاب غذاکنندگان حمایت کرده‌اند؛ اما از آنجا که این حمایت‌ها شفاهی بوده است، نمی‌توان از آن‌ها نام برد. این می‌ماند تا دریافت حمایت مکتوب و عملی.

۴- واکنش حمایت‌گرانه‌ی افراد مردم نسبت به آکسیون:

- طی ۱۵ روزی که اعتصابیون در مقابل پارلمان نشسته بودند، واکنش‌های گوناگونی را از هلندی‌ها و ایرانی و غیره دیدند که از عنادورزی پرخاش‌جویانه تا جانبداری فعال متفاوت بود. برای مثال: یک زن و مرد هلندی از اعتصابیون سؤال کردند که آیا شما سوسیالیست هستید؟ هنگامی که با پاسخ مثبت مواجه شدند، خواستند که لیست حمایتی را امضا کنند؛ و وقتی که به آن‌ها گفته شد که اول نامه‌ی سرگشاده را بخوانند تا به موضوع آگاه شوند، با تندی جواب دادند که وقتی سوسیالیست و ایرانی هستید، نیازی به اطلاعات بیش‌تر نیست. یک مثال دیگر (که صددرصد برعکس نمونه‌ی بالاست): یک نفر ایرانی سلانه سلانه به اعتصابیون نزدیک می‌شود و سؤال می‌کند که چرا این‌جا نشسته‌اید؟ در جواب به او گفته می‌شود که از جنبش کارگری در ایران حمایت می‌کنیم. سرانجام این گفتگو به آن‌جا رسید که این آقای ایرانی خود را طرفدار دست راستی‌ترین حزب هلند (که عملاً یک حزب فاشیستی است) معرفی کرد و هرچه از فحاشی یاد گرفته بود، نثار دو نفر اعتصاب‌کننده (که در آن لحظه تنها بودند) کرد و به بهانه‌ی این‌که می‌رود تا با دوستانش برگردد و بساط اعتصابیون را به هم بریزد، از صحنه گریخت. اما این دو نمونه تنها جنبه‌های افراطی حقیقت را نشان می‌دهد. حقیقت این است که از هر ۱۰۰ ره‌گذر، به تقریب ۵ نفر به اعتصابیون توجه می‌کردند و اگر این ۵ نفر مخاطب قرار می‌گرفتند، ۲ نفرشان واکنش مثبت و جانبدارانه نشان می‌دادند. بنابراین، اگر طی این ۱۵ روز دو نفر جوان مسلط به زبان هلندی در کنار اعتصابیون قرار می‌گرفتند و برای علاقمندان توضیح می‌دادند که داستان اعتصاب غذا از چه قرار است، به سادگی این امکان وجود داشت که ۳۰۰۰ امضای حمایتی از مردم عادی گرفت. اما چنین امکانی وجود نداشت و اعتصابیون تنها توانستند ۳۰۰ امضای حمایتی جمع کنند. نکته‌ی جالب این‌که از میان گروه‌های سنی مختلف، جوان‌های بین ۱۴ تا ۲۰ و افراد بالای ۵۵ بیش‌ترین توجه و سمپاتی را به مسئله‌ی اعتصاب غذا نشان می‌دادند.

- مجموعه‌ی ارتباط‌ها و مشاهداتی که طی این ۱۵ روز و بر محور اعتصاب غذا روی داد، نشان‌گر این است که: اولاً- طیف‌های گوناگون هلندی (تقریباً) هیچ‌چیز در مورد ایران و خصوصاً در مورد وضعیت کارگران در ایران نمی‌دانند؛ دوماً- جلب حمایت هلندی‌ها (از طیف‌ها و گروه‌بندی‌های گوناگون) بدون پیش‌زمینه‌ی آگاه‌گرانه امری فوق‌العاده مشکل و تقریباً غیرممکن است؛ سوماً- شعار worker to worker بیش از این‌که راه‌کار سازنده‌ی را نشان دهد، بیان‌کننده‌ی یک آرزوی فوق‌رمانتیک و غیرعملی است؛ چهارماً- مثبت‌ترین راه اطلاع‌رسانی به مردم و کارگران هلند (اعم از هلندی و غیره)، ایجاد ارتباط با نهادهایی است که گروه‌های مختلف را حول منافعشان به هم گره می‌زند؛ پنجماً- بدون ایجاد تصویری مشترک از منافع مشترک، نه تنها هلندی‌ها، بلکه ایرانی‌های مقیم هلند هم واکنش چندان جانبدارانه‌ای به جنبش کارگری در ایران نشان نمی‌دهند.

- طی تماس‌هایی که اعتصاب غذاکنندگان با گروه‌های مختلف (اعم از هلندی و غیرهلندی یا دولتی و غیردولتی) برقرار کردند، به‌همه‌ی آن‌ها قول دادند که یک دفترچه‌ی اطلاعاتی در مورد وضعیت کارگران و موقعیت جنبش کارگری در ایران تهیه خواهند کرد تا در تماس‌های بعدی در اختیارشان گذاشته شود. این دفترچه‌ی اطلاعاتی تنها می‌تواند آغاز یک روند آگاه‌گرانه باشد و ادامه‌ی آن به همان اندازه‌ی آغازش ضروری است. سرانجام این‌که: نادیده گرفتن این ضرورت معنایی جز چشم‌پوشی از پراتیک حمایت‌گرانه از جنبش کارگری در ایران ندارد؛ و تناقض این چشم‌پوشی عملی و ادعاهای نظری ناگزیر- به‌عاملی بر علیه جنبش کارگری تبدیل می‌شود.

۵- پیام حمایتی از غیرایرانی‌ها از دیگر کشورها:

- تنها پیامی که از غیرایرانی‌ها و از کشورهای دیگر به اعتصاب غذاکنندگان رسید، از حزب سوسیالیست عدالت‌خواه سوئد بود که شاخه‌ی سوئدی افسنیو محسوب می‌شود. این پیام به‌همت تماس‌هایی بود که سارا طاهری (این تجسم روح رفیقانه) برقرار کرد و از جدیت بسیار بالایی برخوردار بود. به‌هر روی، این پیام نیز بدون ادامه‌ی رابطه و اطلاع‌رسانی کافی بیش‌تر به‌تسکین درد می‌خورد تا معالجه و جلب پشتیبانی از جنبش کارگری در ایران.

۶- حمایت افراد، گروه‌ها و جریان‌های ایرانی:

- اولین جریانی که از اعتصاب غذاکنندگان در هلند (که از دستگیرشدگان اول ماه حمایت می‌کردند) به‌حمایت برخاست، «هیئت مشورتی اتحاد چپ کارگری» بود. این حرکت به‌احتمال بسیار قوی- به‌ابتکار مجتبی آزاد صورت گرفت و آغازگر حمایت‌های دیگر بود که جای تقدیر دارد.

- پس از «هیئت مشورتی اتحاد چپ کارگری»، «جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی - سوئیس» با تکیه برنگرانی از سلامتی اعتصاب‌کنندگان، خواستار قطع آن شده بود. به‌احتمال بسیار قوی این ابتکار به‌وساطت دوست عزیزمان علی شیر مبارکی صورت گرفت که نشان‌دهنده‌ی عرق کارگری اوست.

- «میز کتاب آمستردام»، «خانه هنر - هلند» و «تشکل زنان 8 مارس (ایران - افغانستان) - هلند» نیز از اعتصاب غذا حمایت کردند. از این دوستان [حسین (آمستردام)، مسعود، بهمن، سیامک، ناصر نجفی، حسین (دن هاخ) و به‌ویژه فریدا خانم] که با حضور مکرر خود در مقابل پارلمان بریتانسیل اثرگذاری این آکسیون افزودند، تشکر می‌کنیم. ما در این‌جا از بی‌مهری جعفر امیری که در نوشته‌اش ما را ضمناً به‌فردگرایی و برخورد قیّم‌آبانه به‌جنبش کارگری متهم می‌کند، ابراز گلایه می‌کنیم؛ و از محبت‌های آقای محمد اسزاده که هم از طرف «کانون اجتماعی‌فرهنگی اندیشه - هلند» پیام حمایت‌گرانه فرستاد و هم با حضور خود و لاله‌های سرخی که آورد، موجب قوت قلب ما شد، تشکر می‌کنیم.

- از «نهادهای حمایت‌گر از جنبش کارگری در آلمان [کمیته همبستگی با کارگران ایران - هامبورگ، کانون همبستگی با کارگران ایران - کلن، و گروه همبستگی با جنبش کارگری - برلن]» که با ابراز پشتیبانی خود و ارسال نامه‌ی حمایت‌گرانه به‌پارلمان هلند موجب تقویت روحیه ما شدند و وجه کمپینی حرکت ما را رسمیت بخشیدند، قدردانی می‌کنیم و دست این رفقا را به‌گرمی می‌فشاریم.

- از «گفتگوهای زندان»، «اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران ایران»، «کمیته‌ی دانشجویی بلژیک» و «کمیته همبستگی با کارگران دستگیر شده اول ماه مه در پاریس» که با صداقت و صلابت به‌حمایت از آکسیون اعتصاب غذا برخاستند، تشکر می‌کنیم؛ و امیدواریم که در آینده بتوانیم در هم‌راستایی با آن‌ها گام‌های مؤثرتری برداریم. در این رابطه دست رفقای همانند یداله خسروشاهی، نسان (پاریس)، نادر (کلن) و دیگرانی را که نمی‌شناسیم، به‌گرمی می‌فشاریم.

- از دوست عزیز آقای گیل‌آویی که با یادداشت و شعر شورانگیزش ما را بهانه قرار داد تا چشم‌ها را به‌سوی کارگرانی که در ایران به‌مبارزه‌ی پرصلابت، فرارونده و حق‌طلبانه‌ی خویش ادامه می‌دهند و توان می‌پردازند، جلب کند؛ از صمیم قلب تشکر می‌کنیم و امیدواریم که این چشمه‌ی جوشان و انسانی ده‌ها سال دیگر - همچنان پرخروش - بجوشد.

- از هژبر عزیز، فریبا خانم و سام جوان که ما را به‌اشکال مختلف مورد تفقد قرار دادند، سپاس‌گزاریم.

- از مریم عزیز (آمسفورت) که در وضعیت بیماری برای ما دسته‌گل‌های زیبا آورد و با مهرورزی‌اش دل‌مان را شاد کرد، تشکر می‌کنیم؛ و برایش آرزوی شادمانی بیش‌تر داریم.

- از آذر، پویان، شمیلا، پویش، سوفی و ناصر که به‌مثابه‌ی ستاد پشتیبانی آکسیون اعتصاب غذا عمل کردند و بیش‌ترین بار ارتباطات مکاتبه‌ای را به‌دوش کشیدند، سپاس‌گزاریم.

- از بهمن شفیق که هرشب به‌ما زنگ می‌زد و ما را در جریان رویدادهای جامعه‌ی ایران قرار می‌داد، قدردانی می‌کنیم. این رفیق با حضور دو روزه‌ی خود در جمع ما دل‌مان را شادتر و سرمان را شوریده‌تر کرد. پس، جا دارد که پیشانی زیبایش را بوسه‌باران کنیم.

- از همه‌ی دوستان و رفقای که به‌انحاء گوناگون از این اعتصاب غذا (چه حضوری و چه در تماس‌های مختلف) حمایت کردند، تشکر می‌کنیم؛ و متقابلاً متعهد می‌شویم که هرگامی که در راستای آزادی بی‌قید و شرط همه‌ی کارگران زندانی بردارند، با تمام نیرو در کنارشان خواهیم بود.

۷- مصاحبه با رادیوهای فارسی زبان:

- پس از تشکر از رادیو زمانه که اولین مصاحبه‌ی رادیویی را با ما داشت، ضمناً از این رادیو گلایه‌مندیم که صدای ضبط‌شده‌ی ما را به‌گونه‌ای مونتاژ کرد که تنها نیمی از حقیقت ما را باز می‌تاباند.

- از اطلاع‌رسانی به‌جا و به‌موقع رادیو برابری که فرصت یک مصاحبه‌ی طولانی و آزاد را در اختیار ما گذاشت، قدردانی می‌کنیم و دست این دوستان را به‌گرمی می‌فشاریم.

- از اطلاع‌رسانی رادیو پیام آزادی نیز تشکر می‌کنیم که امکانات خود را در موارد متعددی در اختیار ما گذاشتند تا صدای مبارزه‌ی کارگران در ایران را رساتر باز بنایم.

۸ - انتشار اخبار مربوط به اعتصاب غذا در سایت‌های فارسی زبان:

سایت‌ها و وب‌لاگ‌های گوناگونی به‌انتشار اخبار مربوط به اعتصاب غذا پرداختند که می‌بایست از همه‌ی آن‌ها قدردانی کرد. این قدردانی بیش از این‌که جنبه‌ی شخصی و گروهی داشته باشد، بار طبقاتی دارد و بیان‌گر ارزش‌های دموکراتیک و انسانی این‌گونه سایت‌ها و وب‌لاگ‌ها در جانبداری از جنبش کارگری ایران است. انتشار اینترنتی اخبار مربوط به اعتصاب غذا در هلند، عملاً این آکسیون را به‌یک کمپین حمایتی-کارگری و ادامه‌دار تبدیل کرد که در ادامه می‌تواند به‌نیروی اثرگذاری تبدیل شود. بنابراین، قدردانی از همه‌ی این‌گونه سایت‌ها یک وظیفه‌ی طبقاتی و انسانی است.

با این وجود، به‌نظر ما امکان انعکاس وسیع‌تر خبر اعتصاب نیز موجود بود؛ و اگر همه‌ی رفقای که با اعتصاب اعلام همبستگی کردند، در زمینه‌ی فراهم کردن امکانات رسانه‌ای نیز ارتباطات خود را فعال می‌کردند، قطعاً انعکاس اعتصاب، و به‌این ترتیب انعکاس اخبار مربوط به کارگران دستگیر شده، از این نیز وسیع‌تر می‌بود. امیدواریم که این گلایه دوستانه خود محرکی باشد برای همبستگی فعال‌تر در مبارزات پیش روی طبقه‌ی کارگر ایران که همگی ما می‌توانیم جزئی از آن باشیم. به‌هر روی، تا آن‌جا که ما اطلاع داریم سایت‌های زیر در انتشار اخبار مربوط به اعتصاب غذا فعال بودند.

- سایت «جنبش کارگری»: از این سایت و همچنین مدیریت آن -رفیق وحید- از صمیم قلب سپاس‌گزاریم که هم صدای ما را باز تاباندند و هم دم گرم رفاقت‌شان را با جنبش کارگری در ایران پیوند زدند تا «سیه‌رو شود، هر که در او غش باشد».

- سایت «اتحاد کارگری»: از تلاش‌های رفیق گرامی صدیق جهانی، به‌واسطه‌ی ایجاد صفحه‌ی مربوط به اعتصاب غذا و همچنین پیام حمایت‌گرانه و شوق طبقاتی‌اش تشکر و قدردانی می‌کنیم.

- سایت «جنگ خبر»: از انتشار سریع اخبار اعتصاب غذا توسط این سایت و همراهی‌های رفیق بسیار عزیزمان جعفر پویه- قدردانی می‌کنیم و صورت او را می‌بوسیم.

- سایت «ایران ریپورت نیوز»: از این سایت و همچنین رفیق جمشید اطیابی که با مصاحبه‌ی تلفنی خود، فریاد مارا پُرطنین‌تر به‌گوش علاقمندان جنبش کارگری رساندند، قدردانی می‌کنیم.

- سایت‌های «اتحاد بین‌المللی...»، «افق روشن»، «آزادی بیان»، «گفتگوهای زندان»، «روشن‌گری» و... و همچنین وب‌لاگ‌های متعددی (از جمله «جنبش در تبعید») اخبار مربوط به اعتصاب غذای ما به‌گوش دیگران رساندند که همه‌ی این‌ها نشان‌گر روش دموکراتیک و گرایش کارگری آن‌هاست. دست همه‌ی این دوستان و رفقا را می‌فشاریم؛ و از همه‌ی آن‌هایی که به‌دلیل بی‌اطلاعی نامی از آن‌ها نبرده‌ایم، پوزش می‌طلبیم.

۹ - پیام‌های دریافت شده:

پیام‌های متعددی به‌هریک از اعتصاب غذاکنندگان رسید که همه نشان از همدردی و همراهی و رفاقت داشت. این پیام‌ها در واقع- نشان داد که گام کوچک حمایت‌گرانه‌ی ما، نه تنها خودسرانه نبوده و جنبه‌ی فردی نداشته، بلکه به‌مثابه‌ی یک پژواک جمعی، حاکی از همدردی طبقاتی نیز بوده است. دست تکتک این رفقا را می‌فشاریم، در آغوش‌شان می‌گیریم و صورت دلاوران‌شان را می‌بوسیم.

از داخل ایران نیز پیام‌هایی از کارگران به‌دست ما رسید که خطوط زیر در پاسخ به‌این دوستان نوشته و منتشر شده است.

پاسخ به‌کارگرانی که دوست‌شان می‌داریم:

عزیزان!

گرچه ما هیچ وقت سعادت دیدار شما را نداشته‌ایم؛ اما از هنگامی که سندیکای کارگران شرکت واحد موجودیت نوین خود را در یک مجمع عمومی ۸ هزار نفره واقعیت بخشید و با اعتصابات خود جنبش نوین کارگری در ایران را بنیان گذاشت، از هنگامی که انبوهی از فرزندان جوان و جسور طبقه‌ی ما با تلاشی خستگی‌ناپذیر خشت بر خشت بنای تشکل‌های توده‌ای کارگران را آغاز کرده‌اند و از هنگامی که هفت‌تپه‌ای‌ها بر سد موانع غلبه کرده و استوار و پابرجا سندیکای خود را بر پا نمودند، تلاش و مهر همه‌ی شما قلب و روح ما را سرشار از امید و نیرو کرده است. به‌همین دلیل احساس می‌کنیم که ده‌ها سال است که شما را می‌شناسیم و همانند برادری کوشاتر دوست‌تان داریم. آری ما هم در این‌جا (همانند شما در آن‌جا) کارگر هستیم و به‌کار بیگانه و طاقت‌فرسا تن می‌سپاریم تا زندگی را گذران کنیم؛ ولی تفاوت زندگی و امکانات ما با زندگی و امکانات شما بسیار است. ما در این‌جا (با کمی آسان‌گیری) برای سال بعد هم نگران نیستیم؛ اما شما در آن‌جا نمی‌توانید برای فردا نگران نباشید. هزینه‌ی فعالیت کارگری و جانبداری از طبقه‌کارگر در این‌جا و برای ما نهایتاً و در اوج خود به‌دست نیاموردن امکانات و موقعیت بهتر است، در صورتی که این هزینه برای شما و در آن‌جا از دست دادن همان امکانات ناچیزی است که هیچ وقت هم کفاف یک گذران بخورونمیر را نمی‌دهد.

وقتی که ما به‌اسانلو، مددی، نجاتی، رخشان، عظیم زاده، خانم محسنی و ده‌ها فعال کارگری دیگر می‌اندیشیم و وضعیت خودمان را با شما مقایسه می‌کنیم، حتی گاه‌ها تا احساس شرم نیز پیش می‌رویم. عده‌ای در آن‌جا و گرفتار زندان و وثیقه و دویدن در لابیرنت دادگستری؛ عده‌ای هم در این‌جا که در ازای فعالیت‌هایشان نه به‌زندان می‌افتند و نه از کار اخراج می‌شوند و نه فرزندان‌شان اسیر صف ملاقات و تحمل تحقیر و توهین یک مشت آدم‌نمای عوضی می‌شوند.

گرچه ما به‌قهرمان‌ها و قهرمان‌گرایی اعتقاد و باوری نداریم؛ اما حرکت شما را در ۱۱ اردیبهشت، به‌ویژه از این نظر که متحد و یک‌پارچه بودید، یک گام زاینده و قهرمانانه می‌دانیم. بنابراین، در مقابل همه‌ی شما فعالین جنبش کارگری که در داخل ایران هزینه‌ی جانبداری از طبقه‌کارگر را می‌پردازید (اعم از دستگیر شده و دستگیر نشده)، از جا برمی‌خیزیم و کلاه از سر برمی‌داریم و ابراز احترام و قدردانی می‌کنیم.

دوستان عزیز! شما در آن‌جا با ایجاد سندیکای واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه آزاد کارگران و تشکل‌های دیگر، به‌جز این‌که صادقانه و به‌گونه‌ای مؤثر در خدمت طبقه‌ی کارگر ایران و همه‌ی کارگران جهان بوده‌اید، موجباتی را نیز برای ما فراهم کردید که دلتنگی‌هایمان را می‌زداید و نور دیگری بر زندگی‌مان می‌تاباند. این نور زندگی آفرین، به‌ویژه در حرکت متحد شما عزیزان در ۱۱ اردیبهشت درخشش ویژه و سازنده‌ای داشت. حقیقت این است که ما از این حرکت شما که می‌توان با عبارت تولد جنبش نوین کارگری در ایران توصیف‌اش کرد، دوباره برانگیخته شدیم و بسیار هم آموختیم.

دوستان کارگر! حرکت متحد، متشکل و پرصلابت شما در روز جهانی کارگر و همچنین طرح به‌جای مطالباتی که پیش روی صاحبان سرمایه و دولت قرار دادید، در این‌جا نیز طنین جان‌افزایی داشت. این همه درایت، این همه جسارت و این همه دریافت و شعور طبقاتی همانند گرمای جان‌بخش خورشید به‌وادای سرد این‌جا نیز روح نوینی دمید. آری، ما دریافتیم که دیگر نامه و اینترنت و اعلام هم‌بستگی خشک و خالی کافی نیست. ما پیام شما را در عمل شما دریافتیم.

عزیزان، نامه‌ها و پیام‌های پُر مهر شما مایه دلگرمی ماست. نگرانی شما در مورد سلامتی ما برای ما در عین حال نشان دهنده‌ی امر مشترک و حس هم‌بستگی طبقاتی است. اما از جانب ما نیز همین نگرانی متقابل در مورد سرنوشت دوستان زندانی ماست که ما را به‌این اقدام واداشته است. آری، سلامتی ما احتمالاً در اثر اعتصاب غذایی که به‌آن دست زدیم، اندکی صدمه ببیند. اما حقیقتاً این صدمه در مقابل صدماتی که شما عزیزان تا به‌امروز دیده‌اید، چیست؟ از صدمه روحی ناشی از محاصره‌ی دائمی و بی‌امنی فردای زندگی گرفته تا صدمه جسمی‌ای که بر امثال صالحی‌ها وارد شده است. حقیقتاً ناراحتی‌های چندروزه ما در مقابل ناملايمات هرروزه‌ای که بر جسم ناتوان اسانلو وارد می‌شود، رنگ می‌بازد. ما نگرانی شما را ارج می‌نهیم، اما باور کنید که خود ما به‌مراتب بیش‌تر نگران همه‌ی آن‌هایی هستیم که این‌چنین در نبردی نابرابر کمر به‌احقاق حقوق لگدمال شده‌ی کارگران بسته‌اند و در معرض شدیدترین ستمگری‌ها قرار گرفته‌اند. این همان چیزی است که ما را به‌این اعتصاب واداشته است. اعتصابی که برای ما تنها گامی در این مبارزه است.

به‌شما و همه‌ی دوستان اطمینان می‌دهیم که با تمام قوا برای رهایی همه‌ی فعالین جنبش مبارزه خواهیم کرد. این تنها شکل اعتراض نیست و نخواهد ماند. اعتصاب ما به‌محض رسیدن به‌اهداف سیاسی مورد نظرمان خاتمه خواهد یافت. اما بدون تردید همراه با همه‌ی هم‌زمان دیگر به‌جستجوی راه‌های مؤثرتر مبارزه همت می‌گذاریم. به‌این امید که به‌نتایج عملی دست یابیم.

[۱] هنگامی‌که این جمع‌بندی آماده‌ی انتشار بود، تشکل «پناهندگان فیلیپینی در هلند» (FREN) که زمینه‌ی اصلی کارش دفاع از حق پناهنگی در هلند است و از زاویه‌ی چپ و رادیکال، بیش‌تر روی مواضین حقوق بشر در فیلیپین متمرکز است؛ بیانیه‌ی حمایت‌گرانه‌ی فرستاد که عین پیام را در این‌جا نقل می‌کنیم.

RELEASE IRANIAN WORKERS IMPRISONED SINCE MAY 1,2009

Statement of Filipino Refugees in the Netherlands

8 June 2009

The Filipino Refugees in the Netherlands, (FREN) a human rights organization fighting for the rights of Filipino refugees in the Netherlands, denounces the unjust attacks and arrest of more than 170 labor leaders last May 1,2009, in the Islamic Republic of Iran. While the majority of those arrested have already been released, 50 labor leaders are still in prison. We demand the release of the labor leaders still in prison.

After 30 years of repression, this is the first time that several workers organizations gathered together to celebrate International Workers' Day. Their demands were just : the right to form independent workers' organizations, payment of wages, especially for those who had not been paid for two years, and higher wages

The gathering of workers on May 1st is not illegal according to Iranian law. And yet, these workers were violently dispersed and many were injured, including women and children.

Filipino Refugees in the Netherlands (FREN) is concerned with the growing number of human rights violations in Iran. We join other organizations who are calling for the release of the Iranian workers, and all Iranian political prisoners, and for justice to all victims of human rights violations in Iran.

اصغر فتاحی - شهرام بجفی - عباس فرد

۹ یونی 2009 - لاهه